گفت‌وگو «جوان» با محمد محمدی، مسئول نوجوانان هیئت آیین حسینی

جهان‌بینی نوجوان‌های‌مان را کشف نکرده‌ایم

■ حسن فرامرزی

هیئت آیین حسینی که مراسم‌های خود را در امامزاده قاضی صابر - واقع در ده ونک، پشت دانشگاه الزهرا- برگزار می‌کند، مدتی است دست به نوآوری زده و فضای تعاملی و تربیتی را به شکلی نظام‌مند و برنامه‌ریزی‌شده در طول سال با نوجوان‌ها، یعنی کسانی که عمدتا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به دنیا آمده‌اند به وجود آورده است. کمترین فایده فضا دادن به نسل معروف به «زد» که ما عموماً آنها را سرکش و ضداخلاق تصور می‌کنیم، خروج یا دست‌کم کمرنگ‌ترشدن فضای دوقطبی‌گری و تصورات افراطی درباره نسلی است که ما کمتر آنها را می‌شناسیم. آنچه این روزها در یک هیئت مذهبی در تهران رقم می‌خورد، می‌تواند با بازخوردگیری و اصلاحات، الگویی برای هیئت‌های دیگر هم باشد که از ظرفیت‌های متناسکی این جامعه در جهت همبستگی ملی و احیا و به‌روز کردن بزرگداشت‌های فرهنگی و دینی استفاده شود. گفت‌وگوی ما با محمد محمدی، مسئول نوجوانان هیئت آیین حسینی به جزئیات این حرکت فرهنگی می‌پردازد.

از شکل‌گیری دغدغه کار با نوجوان‌ها بگویید. چه شد وارد چنین فضای دشوار و ظریفی شدید؟

همان طور که می‌دانید هیئت آیین حسینی با محوریت حاج میثم مطیعی چندین سال است یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های کارکردی خود را روی ارتباط، تعامل و کار برای نوجوانان پسر و دختر قرار داده است. البته جنس کار برای نوجوان‌های پسر و دختر تفاوت‌هایی با هم دارند اما جهت‌گیری ما در رشد و تعالی این نسل یکی است.

این تفاوت‌ها در چیست؟

اول از همه اینکه برنامه‌های ما برای نوجوانان پسر به صورت متمرکز انجام می‌شود. تبت‌نام از این نوجوان‌ها در دو نوبت از سال برگزار می‌شود که اواخر خرداد ماه و اوایل شهریور ماه است و سیاست ما جذب نوجوان‌ها از نقطه‌های مختلف تهران است.

شهرستان‌های اقماری چطور؟

بله، از شهرستان‌های اطراف تهران مثل کرج، پردیس و شهریار، شهرهای استان البرز و نقاط دیگر استان تهران هم جذب صورت می‌گیرد.

جنس برنامه‌ها در دو بازه‌ی نوجوان‌ها در دوره سه ماهه تعطیلات هستند و زمانی که مدرسه می‌روند با توجه به دو نوبت تبت‌نام تابستان و پاییز متفاوت است؟

همین طور است، ما البته در دو نوبت کلاس و اردو داریم.

یعنی در پاییز و زمستان هم اردو دارید؟

بله ایامی که مدرسه‌ها برقرار است، برنامه‌های ما منتمرکز در روز هفته یعنی پنج‌شنبه و جمعه می‌شود؛ پنج‌شنبه‌ها کلاس‌ها را برگزار می‌کنیم و جمعه‌ها عموماً اردو داریم. برنامه‌های ما عموماً بعد از ظهر است و اردوها با توجه به مکان و نوع اردو ممکن است از صبح تا بعدازظهر یا حتی چند روزه باشد.

در تابستان چطور؟

فراغت در تابستان بیشتر است، بنابراین برنامه‌های ما برای نوجوان‌ها در سه روز هفته برگزار می‌شود. اردو در فرایند تربیت جوان کار بسیار مهم به شمار می‌آید. ما در اردوها می‌توانیم تعالیمی را که در کلاس‌ها آموزش داده‌ایم، در محیط کنترل‌شده‌ای تثبیت کنیم. در برنامه حاضر چون ارتباط نوجوانان با مجموعه به صورت هفتگی است، صرورت اردو بیش از پیش احساس می‌شود، به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها هفته‌ای یک بار اردو در نظر گرفته شده است. اردوهای ما هم به صورت زیارتی، تفریحی، سیاحتی و حتی با شرایط خاص و ویژه برگزار می‌شود. همه اردوها دارای اهداف تربیتی مشخصی است.

کلاس‌ها از صبح شروع می‌شود؟

برنامه‌های ما عموماً بعدازظهر است. تابستان‌ها هفته‌ای یک بار اردو برگزار می‌کنیم.

تعریفی که از اردو دارید، چیست؟

تعمر کرما بیشتر بر اردوهای زیارت عتبات بوده که هدف آن آشنایی بیشتر و ملموس‌تر با فرهنگ اهل بیت(ع) است و در حال طراحی اردوهای دیگر از جمله راهیان نور، اردوهای جهادی و اردوهای تفریحی شمال هستیم.

محتوای کلاس‌ها و اردوها را چطور تهیه می‌کنید؟

برنامه‌های زیادی طراحی شده است و می‌توانم به برنامه‌های جنبه معرفت، بعدازظهر پرنشاط، ستارگان هدایت، تمرین نظفه، احداد، خودآگاهی، سفره عشق، سفره نور و دوره‌های تخصصی اشاره کنم. کلاس‌ها با توجه به موضوع وقف هستیم که امروز نسل جوان بازسال ۳۰-۲۰ است. آن پیش متفاوت است و نگاه نو به پدیده‌ها دارد، بنابراین روش‌های خشک، کهنه و منسوخ‌شده در ارتباط با آنها جواب نمی‌دهد. ما زمانی که خواستیم این فضای آموزشی و تفریحی را برای نوجوان‌ها به وجود بیاوریم، گفتیم این فضا باید تحت یک سند تربیتی جامع باشد که بتوانیم ایده‌پردازی، اهداف، راهبرد، فرایندها، جهت‌گیری، جزئیات و اسناد برنامه کلاس‌ها و اردوها را از این سند استخراج کنیم.

این استخراج به چه صورت انجام می‌شود؟

از تحقیق، ایده‌پردازی، بارش فکری و جمع‌آوری دیدگاه صاحبنظران آغاز و بعد از جمع‌بندی و تصحیح در نهایت برنامه وارد فضای آزمایشی می‌شود و وقتی دوره آموزشی خود را با موفقیت طی کرد، به عنوان یک برنامه تربیتی به کار گرفته می‌شود. آنچه برای ما در این زمینه مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است، این است که در یک برنامه تربیتی همه مؤلفه‌های مورد نیاز نوجوان‌ها را مدنظر داشته باشیم و از نگاه تک‌بعدی و یک‌سویه پرهیز کنیم.

درباره عناوین برنامه‌ها توضیح می‌دهید؟

به عنوان مثال بعدازظهرهای پرنشاط یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ماست.

به چه موضوعی اختصاص دارد؟

از جمله ضعف‌های فرهنگ عمومی ما که آثار آن را در جامعه خودمان می‌بینیم، ضعف در کار گروهی است. ما با شناسایی چالش‌های مهمی که در فرهنگ عمومی‌مان وجود دارد، سرفصل مهمی از بعدازظهرهای پرنشاط را به تقویت مهارت‌های کار گروهی اختصاص داده‌ایم. مثلاً نوجوان‌ها را به شکل کنترل‌شده در فضای مأنور با بازی قرار می‌دهیم و می‌بینیم که عملکرد امدادی آنها چطور است، از طرفی ارزیابی‌ها در این باره صورت می‌گیرد که کارایی و توانمندی‌های بچه‌ها در آن بازی چطور بوده است یا مثلاً برنامه خیمه‌های معرفت را داریم که چهار زیرشاخه قرآن، احکام، عقاید و اهل بیت(ع) را در بر می‌گیرد.

با توجه به اینکه نوجوان‌ها در بازه ۶ تا ۱۷ سالگی قرار می‌گیرند، اختلاف سنی چندساله در دنیای نوجوان‌ها تفاوت زیادی ایجاد می‌کند. این تفاوت ادراکی را در برنامه‌ها اعمال کرده‌اید؟

بله، سرفصل‌های دروس با توجه به هر پایه تحصیلی تهیه، تدوین و محتوا به صورت جداگانه از پایه چهارم تا یازدهم ارائه می‌شود.

در واقع به صورت پله‌ای است؟

همین طور است. سیر بحث‌ها به عنوان مثال در همان چهار زیرشاخه قرآن، احکام، عقاید و اهل بیت(ع) با توجه به ظرفیت‌های ذهنی نوجوان‌ها در پایه‌های مختلف تنظیم شده و طبیعتاً هر چقدر به پایه‌های بالاتر می‌رویم، روند صعودی دارد و محتوا و متریال ما در پایه یازدهم کامل می‌شود.

متأسفانه یک ایراد اساسی که در ذهنیت ما ایرانی‌ها وجود دارد، این است که ما بیشتر از آنکه آدم‌های عمل باشیم، آدم‌های عکس‌العمل هستیم. در حوزه مناسبات فرهنگی هم از این نقطه آسیب زیادی دیده‌ایم که ما نمی‌توانیم میدان عمل در برابر تحولات جدید باشیم، بنابراین میدان درب و اعکس‌العمل تعریف می‌کنیم. منتظریم دیگران شبهه طرح کنند و ما جواب آنها را بدهیم. آیا به این موضوعات در تربیت نوجوان‌ها توجه دارید؟

ما یعنی مجموعه کسانی که به نحوی در طراحی و ارائه این برنامه‌ها دخیل هستند، این موضوع را می‌دانیم که این نوجوان در سال ۱۴۰۲ زندگی می‌کند. در زمانه هوش مصنوعی، در دنیایی که بسیاری از کنش‌های آن به فضای مجازی رسیده است، بنابراین از همان آغاز که کار ما با نوجوان‌ها جدی شد، هدف‌مان این بود که این نوجوان‌ها نه برای امروز که برای مواجهه و پاسخگویی به نیازهای ۱۵-۱۰ سال آینده تربیت شوند

عاشر پورجلال اپوان

> ما یعنی مجموعه کسانی که به نحوی در طراحی و ارائه این برنامه‌ها دخیل هستند، این موضوع را می‌دانیم که این نوجوان در سال ۱۴۰۲ زندگی می‌کند، در زمانه هوش مصنوعی، در دنیایی که بسیاری از کنش‌های آن به فضای مجازی رسیده است، بنابراین از همان آغاز که کار ما با نوجوان‌ها جدی شد، هدف‌مان این بود که این نوجوان‌ها نه برای امروز که برای مواجهه و پاسخگویی به نیازهای ۱۵-۱۰ سال آینده تربیت شوند

مثال می‌زنید؟

به عنوان نمونه در این مدت آشناگردن نوجوانان با شهدا و فرهنگ شهادت یکی از مهم‌ترین رئوس برنامه‌های ما بوده است، بنابراین وقتی در حوزه نشاط و کسب مهارت برای نوجوان‌های ما کلاس تیراندازی گذاشتیم، آن را به عنوان کارگاه آموزشی شهید عبدالرسول زرین برگزار کردیم و ایرانی آشنا کردیم که رکوردار تک‌تیراندازی در دنیا بوده است و طبیعتاً نوجوان‌ها به کشور، وطن و قهرمان‌های این وطن می‌آیند و در دنیایی که کشورها سعی می‌کنند با تولیدات تصویری برای خود قهرمان‌های کاذب بتراشند یک قهرمان واقعی آشنا می‌شوند. از طرف دیگر توجه کنیم که تیراندازی به تقویت صبر، تمرکز، قدرت روحی، کار گروهی و تقویت مهارت‌های مثل رعایت اعمین در زندگی روزمره می‌انجامد.

چقدر به دنبال بسط فضای عمل در میان نوجوان‌ها هستید؟ منظور این است که در کنار مصوغات اعتقادی، دانش روز مورد توجه تان بوده است؟

ما تابستان امسال کلاس‌های آموزشی روباتیک برگزار کردیم و نوجوان‌های ما وارد مباحثی مثل کدنویسی و دانش و مهارت‌های مرتبط با علم روباتیک شدند. هدف‌مان این است که به تدریج و در نهایت نوجوان‌هایی را که در زمینه علاقه‌مند تر و باسعه‌تر در هستند، وارد فضای هوش مصنوعی کنیم.

اصلاً همین که ترس نوجوان از ورود به قلمروی مثل روباتیک یا هوش مصنوعی بریزد، باز هم گام بزرگی است. این سنجش‌ها چطور انجام می‌شود؟

چه در کلاس‌ها و چه در اردوهای‌مان شیوه‌نامه استعدادیابی داریم. عملکرد و کار نوجوان از سوی مربی‌ها رصد می‌شود و به تدریج مربی، نوجوان و خانواده‌اش پی می‌برند که سمت و سوی علاقه‌مندی، استعداد و ظرفیت‌های این نوجوان کجاست. در اردوها هم بر اساس تدریبی خود جزئیات برنامه‌ها را دقیقه به دقیقه طرح‌ریزی کرده‌ایم و تیم اجرا مطلق از جزئیات برنامه را می‌چینند.

این مصاحبه در حالی انجام می‌شود که شما در اردوی مشهد هستید. مثلاً برای این اردو چه اهدافی چیده‌اید؟

آنچه در برنامه‌ریزی، ما مریبان نهایی شده چهار هدف راهبردی داریم. اول از همه تمرکز بر نشاط، همبستگی و کار گروهی، بصیرت‌پذیری و احترام به بزرگ‌ترهاست. ما در این اردو روی برنامه‌ها با دقیقه به دقیقه طرح‌ریزی کرده‌ایم و تیم اجرا مطلق از جزئیات برنامه را می‌چینند.

آیا برنامه‌های درازمدت هم دارید؟

خوشبختانه نزد مدیران و مربیان مجموعه، نگاه استراتژیک وجود دارد و ما در تلاش هستیم برنامه‌های پنج و ۱۰ ساله خود را تدوین و ارائه کنیم.

تاکنون چند نوجوان را تحت پوشش قرار داده‌اید؟

ما هر جلسه این حسینی دو نوع مخاطب نوجوان داریم. مخاطب عمومی که حدود ۲هزار و ۲۰۰ تا ۲هزار و ۴۰۰ نوجوان را در بر می‌گیرد که از طریق شبکه‌های اجتماعی با آنها در ارتباط هستیم اما با توجه به محدودیت فضا، نیروی انسانی و امکاناتی که داریم فعلاً نمی‌توانیم از عهده تأمین کار اجرایی برای این تعداد از نوجوان‌ها بایستیم، چون کار با نوجوان‌ها احتیاج به مربی‌هایی با تجربه و کارکشته دارد، به خاطر همین تبت‌نام خود را محدود به ۲۰۰-۱۵۰ نفر نوجوان کرده‌ایم و اکنون این تعداد از نوجوان‌ها در برنامه‌های ما مشرکت می‌کنند

> مادر هیئت آیین حسینی دو نوع مخاطب نوجوان دارم. مخاطب عمومی که حدود ۲هزار و ۲۰۰ تا ۲هزار و ۴۰۰ نوجوان را در بر می‌گیرد که از طریق شبکه‌های اجتماعی با آنها در ارتباط هستیم اما با توجه به محدودیت فضا، نیروی انسانی و امکاناتی که داریم فعلاً نمی‌توانیم از عهده تأمین کار اجرایی برای این تعداد از نوجوان‌ها بایستیم، چون کار با نوجوان‌ها احتیاج به مربی‌هایی با تجربه و کارکشته دارد، به خاطر همین تبت‌نام خود را محدود به ۲۰۰-۱۵۰ نفر نوجوان کرده‌ایم و اکنون این تعداد از نوجوان‌ها در برنامه‌های ما مشرکت می‌کنند

در چند محله تهران؟

برنامه‌ها در ۸۰ محله تهران برگزار می‌شود.

چند نوجوان دختر را تحت پوشش گرفته‌اید؟

هزار و ۳۰۰ نوجوان که در ۸۰ محله تهران زیر نظر مربی‌ها فعالیت می‌کنند.

کلاس‌ها در محلات کجا برگزار می‌شود؟

بسته به تعداد نفرات و شرایط محله در حسینیه، مسجد و گاهی در منزل خود مربی‌ها برگزار می‌شود. این جلسات از سوی ستاد دختران بهشتی و از سوی استادان طراحی و در اختیار مربی‌ها قرار می‌گیرد که با یک سطح محتوا برگزار می‌شود. در بخش دختران همایش‌های حضوری به صورت فصلی و دو سه ماه یک بار برگزار می‌شود.

در واقع برنامه‌های دختران غیرمتمرکز تر است؟

بله

مناسبت‌های این همایش‌ها چگونه است؟

مثلاً روز ولادت حضرت معصومه(س) که روز دختر است، ما در اردوگاه امام خمینی لواسان همایش داشتیم و اتوبوس‌هایی در تهران مستقر کرده بودیم که این اتوبوس‌ها دختران نوجوان را به محل اردوگاه منتقل می‌کردند. معمولاً ما در این همایش‌ها هم شعرهایی را چیت همخوانی با حاج میثم مطیعی آماده می‌کنیم و دخترخانم‌ها این همخوانی را به زیباترین وجه انجام می‌دهند. همچنان که اشاره کردم برنامه‌های ما با نوجوان‌های دختر مناسبتی است ملاحرم اصل به منشت شهادت حضرت رقیه(س) و با حضور حاج میثم بیشت دختران برگزار کردیم.

این هیئت دختران‌ه بها دادن به نوجوان‌های دختر به نظر م کار قشنگی است، چون معمولاً ما در هیئت‌ها یک نوع تفکر مردسالار داریم، در حالی که می‌بینیم امام حسین(ع) این نگاه را ندارند و نمونه آن نقش برجسته حضرت زینب(س) است.

بله ما از همین نگاه، ملهم بوده‌ایم چون اگر می‌خواهیم میراث معنوی و ارزشی این مرز و بوم را به نوجوان‌ها منتقل کنیم، باید این حس را به آنها بدهیم که آنها می‌توانند در این باره شجیع‌گر باشند؛ به اینکه مدام برای آنها تصمیم گرفته شود، بنابراین در محرم‌ها همیشه بخشی از حسینیه‌ای که در آن مراسم اجرا می‌کنیم، مجزا و مخصوص نوجوان‌ها می‌شود. ما سعی‌مان بر این است که وقتی دخترخانم‌ها پسر ما مراسم برگزار می‌کنند، از طراحی دکور تا انتظامات مراسم و نمایشگاه‌شهدا همه با سلایق و مدیریت نوجوان‌ها برگزار شود.

در واقع شما بیشتر کار هماهنگی و تأمین را انجام می‌دهید؟

بله، مثلاً برای برگزاری نمایشگاه شهدا مواد خام لازم را در اختیار نوجوان‌ها قرار می‌دهیم. از پسلاک، اجر، پارچه، عکس‌ها و سایر ملزومات. آن وقت طراحی با نوجوان‌هاست. ضمن اینکه مهم‌ترین عنصر نمایشگاه که رایتگری آن است در اختیار نوجوان‌ها قرار می‌گیرد. امسال سردار حجی را، که فرمانده نیروی هوافضای سپاه از نمایشگاه شهدا بازدید کردند، در حالی که رایتگری نمایشگاه بر عهده نوجوان‌ها بود و بازدیدکنندگان تحت تأثیر رایتگری نوجوان‌ها بودند.

شما می‌گویید ما یکسری کلیشه‌های موسوم در ذهن‌مان ساخته‌ایم که آنها چیلومی رو به و مثلاً می‌گوییم نوجوان‌های ما دیگر با چنین فضاهایی نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند، در حالی که این طور نیست.

بله، ما در این باره کوتاهی کرده‌ایم و مدیریت و شناخت ما ضعیف است اما دوست دارم به نوجوان‌ها را بر سؤال ببرم.

یعنی صورت مسئله را یک می‌کنیم.

به نظرم اگر می‌خواهیم در کار با نوجوان‌ها به توفیق برسیم و این سد تعاملی که شکل گرفته شکسته شود، راهی ندارد جز اینکه اعتماد آنها را جلب کنیم. این جلب اعتماد هم به حرف و سخنرانی نیست. ما در عمل باید نشان دهیم به نوامندی، ظرفیت، جایگاه و فکر آنها اعتماد داریم.

وقتی عمیق فکر کنیم، می‌بینیم قرار است این نوجوان‌های سامان اداره فردای کشور را بر عهده بگیرند. هر چه زمان می‌گذرد آنها به این عرصه نزدیک‌تر می‌شوند و اگر ما در جلب این اعتماد و سپردن تدریجی امور به آنها تعلل کنیم، به فردای کشور و ملت خیانت کرده‌ایم.

نمی‌دهند، یعنی این حس را ندارند که آنجا اتفاقی می‌افتد که یک ضلع بزرگ آن فردی است که در برنامه حضور دارد. اما ما این برنامه را به شکل کارگاه برگزار می‌کنیم به این معنا که اعضا در ساخت آن محصول که همان رشد آگاهی است، مشارکت می‌کنند. روی سناریوهای تربیتی در حقه به صورت کارگاهی فعال هستند و حتی کارمندی هم می‌سازند، به هر حال برای ما مسجل شده است که توفیق ما در کار با نوجوان‌ها به دخیلت والدین در این باره بستگی تام دارد.

درباره نوجوان‌های دختر بگویید که شکل اجرای برنامه‌ها برای آنها چگونه است؟

در قسمت دختران هر منطقه یک مربی دارد و به خاطر اینکه

> یکی از آسیب‌هایی که به طور معمول در جلسات سخنرانی وجود دارد، این است که مستمعان معمولاً با یک ذهن منفعل در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند و عملاً کار خاصی انجام نمی‌دهند، یعنی این حس را ندارند که آنجا اتفاقی می‌افتد که یک ضلع بزرگ آن فردی است که در برنامه حضور دارد

یا به بوسیار. آنچه در طراحی برنامه‌های ما از سوی دست‌اندرکاران و مربی‌ها یک اصل بوده این است که نوجوان ما کاملاً برایش جا بیفتد که او میزبان است. ما اگر بتوانیم چنین تفکری را در آموزش و پرورش‌مان، در خلوادتهای‌مان و در رسانه‌های‌مان جا بیندازیم که کودکان و نوجوان‌ها میزبان‌ها هستند و نسل‌های میانسال و کهنسال میهمان این نسل هستند. فوق‌العاده خواهد بود. آن وقت میهمان‌ها تلاش می‌کنند که از چشم میزبان و از دنیای او به روابط و پدیده‌هاتگاه کنند.

در حالی که متأسفانه میانسال‌ها و کهنسال‌های ما خود را میزبان می‌دانند.

اگر بخواهم به سهم خود از تجربه خود در این زمینه سخن بگویم، باید عرض کنم که ما هنوز ادبیات مناسب نوجوان‌های سامان را به درستی کشف نکرده‌ایم. ما اگر می‌خواهیم به این کشف در ادبیات ارتباط با نوجوان‌ها میسر بنیاز داریم که به این راه رفته در این چهل‌والدی سال نگاه بیندازیم و بازنگری‌های اساسی در این باره داشته باشیم و این بازنگری اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه خودمان را مطلق تعریف نکنیم و در این باره انعطاف داشته باشیم. اینطور بگوییم برنامه‌های فرهنگی که ما از آغاز انقلاب تاکنون اجرا کرده‌ایم، متناسب با ظرفیت‌های آن روزهای‌مان بوده است، اما این به آن معنا نیست که ما در همان سطح متوقف شویم.

اصلاً معنای بازبینی همین است.

در بازبینی می‌آییم محتوا را پیش چشم‌مان می‌گذاریم و بدون خب و بغض، بدون یک نگاه هیجان‌زده و با چشم باز و منصفانه، نقاط ضعف و قوت را واکاوی می‌کنیم. می‌خواهم عرض کنم گاهی می‌گوییم نگاه سنتی غلط است اما این طور نیست. هر چیزی که در سنت است، چون مربوط به سنت‌های یک جامعه و فرهنگ است، اشتباه نیست. بسیاری از ذخایر فکری و معنوی ما به این سنت‌ها برمی‌گردد اما عادات و سنت‌هایی هم وجود دارد که اصیل نیست و جزو تقلیدهای کورکورانه و بدعت‌های اشتباه است. بنابراین ما باید دست به بازنگری در ارتباط‌مان با نسل نوجوان و جوان بزنیم.

شما این دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها را چطور دیدید؟

این نسل، تفاوت‌های اساسی با نسل‌های قبل از خود دارد اما این تفاوت‌ها به مثابه ضعیف و بی‌مایه یا بی‌توجه به معنای زندگی و امور معنوی نیست.

مثلاً معروف است که می‌گویند این نسل به بزرگ‌تر حرمت نمی‌گذارد.

به نظر من این گزاره دقیق نیست. شاید در ظاهر این طور به نظر برسد اما اگر شما آن لایه‌های روبی را کنار بزنید، می‌بینید که این طور نیست. به نظر من دقیق‌تر این است که بگوییم این نسل از زاویه دید خود به حرمت نگاه می‌کند. ممکن است این نسل مطابق الگوها و چارچوب‌های ما عمل نکند، اما این طور نیست که منکر حرمت گذاشتن باشد. در هر حال آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، این است که ما باقابیلیت کهنه با ارتباط با این نسل نخواهیم رسید.

در واقع انتظار اینکه این نسل مطابق میل و نگاه ما جلو برود، یک نوع فراغکنی است، یک تقاضای درونی به تعویق افتاده است. مثل این است که من آن پوست‌اندازی و تعالی درونی را در خودم به تعویق می‌اندازم و با بیرون از خودم فراغکنی می‌کنم و یکی

و برنامه‌ها به چه کاری می‌آید؟ بنابراین ما در برنامه‌های‌مان نیامده نوجوان‌ها را با محتوای زیاد و خسته کننده بمباران کنیم. اشتباهی که گاهی برخی مؤسسات که نیات خوب و قابل دفاعی هم دارند، مرتکب می‌شوند، این است که محتوا برای آنها موضوعیت بیشتری دارد.

انگار خود نوجوان و دنیای او را نمی‌بینند.

بله، فقط می‌خواهند آن محتوا را به نوجوان تزریق کنند و بروند.

خب مشخصاً شما برای تغییر این رویه چه کردید؟

آنچه ما از خلال بیانات حضرت آقا و استادان شاخص تربیتی در این زمینه استخراج کردیم و در طراحی برنامه‌های کارگاه‌ها و اردوها به کار بستیم ۱۲ اصل بود.

به چند مورد اشاره می‌کنید؟

مثلاً یکی از مهم‌ترین اصول ما در طراحی برنامه‌ها «یادگیری مبتنی بر تلاش» بود. یادگیری منفعلانه یکی از گره‌های سیستم آموزش رسمی کشور است. همچنان که اشاره کردم، نوجوان باید محور باشد و محتوا اطراف او شکل بگیرد و نه برعکس. در حالی که در یادگیری منفعلانه عملاً محتوا در مرکز قرار می‌گیرد، طوری که انگار نوجوان برای مخاطب شدن و نه محتوا برای نوجوان، اینکه ما انتظار داشته باشیم شأن نوجوان خاموش نشستن و گوش دادن و اطاعت کردن است و شأن ما هم سخن گفتن و اطاعت خواستن این رویه و نگاه نمی‌تواند یک رابطه زنده و پیش‌رونده بین مربی و مربی یا نوجوان برقرار کند، بنابراین ما در برنامه‌های‌مان مدام این نکته را به نوجوان گوشزد می‌کنیم که او در واقع محتوای کلاس یا کار گاه را با تلاش فکری و معرفتی خود شکل می‌دهد و در نهایت مربی و ما یک تسهیلگر هم.

در واقع آن اتفاق را نوجوان رقم می‌زند.

بله.

اصول دیگر؟

اصل مهم دیگر ما تأکید بر «نشاط» بر برنامه‌هاست. ما نمی‌توانیم نگاه شوخ و باشاط نوجوان‌ها را سرکوب کنیم. گاهی ما آدم‌ها دنیای نوجوانی و جوانی خودمان را فراموش می‌کنیم. این مهم است که ما به یاد بیاوریم تفاوت در نسل‌ها یک امر بدیهی است، بنابراین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم نوجوان دنیا رامثل پیرمردها ببیند، بنابراین ما برنامه‌ها را طوری طراحی می‌کنیم که این نشاط از بین نرود. اصل دیگری که ما روی آن پافشاری می‌کنیم «خودباوری» است. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که انواع محتواها از فرهنگ‌ها و مکاتبی که با ما زاویه دارند، شبانه‌روزی در قالب برنامه، کلیپ، انیمیشن، فیلم و قالب‌های دیگر بر سر نوجوان‌ها ریخته می‌شود؛ برنامه‌هایی که بعضاً به تحقیر فردی و ملی می‌انجامد و نوجوان تحت تأثیر آن محتوا تصور می‌کند ارزشی ندارد یا ملیت و فرهنگ او بی‌ارزش است یا در کشوری زندگی می‌کند که فلان و پهمان است. اینکه ما در رابطه‌مان با نوجوان‌ها بخواهیم از همان الگوهای کهنه و مندرس استفاده کنیم و به شکل افراطی به سمت تشویق و تنبیه برویم، جواب نخواهد داد. ما در برنامه‌های‌مان به ندرت از تشویق و تنبیه استفاده می‌کنیم، چون وقتی شما مرتب تشویق می‌کنید، نوجوان تصور می‌کند برای هر کار خود باید از بیرون انتظار تأیید داشته باشد، بنابراین خودباوری در او تضعیف و لایسه به این می‌شود که ببیند قضاوت و موضع دیگران درباره او چیست. اینکه کمد جوابز داشته باشیم، دیگر جوانگو نیست.

جایگزین‌تان برای این روش‌های منسوخ چیست؟

به یک نمونه اشاره می‌کنم. مثلاً در برنامه‌های‌مان ما مشارکت نوجوان‌ها به این سمت می‌رویم که عمیق‌ترین شادی وقتی به دست می‌آید که بتوانید از لذت‌های سطحی و دم دستی عبور کنید.

نکته مهمی است.

ما الان چه کسانی را بالغ به معنای واقعی کلمه به حساب می‌آوریم؟ کسانی که می‌توانند به لذت‌های زودگذر نه بگویند تا به یک سطح بالاتری از لذت و شادی دست پیدا کنند.

سعدی می‌گوید اگر لذت ترک لذت بدانی / دگر شهوت نفس، لذت نخوانی.

توجه کنید خیلی از بزرگسالان متأسفانه عبور سالمی از این وضعیت نداشته‌اند، چون پایه این عبور در دوره نوجوانی گذاشته می‌شود.

خب اینها واقعاً تکات مهمی است اما چقدر قابلیت اجرایی دارد؟

توان ما محدود است اما به سهم خود سعی می‌کنیم پایه‌پای نوجوان‌ها و مربی‌ها این مسیر را پیش ببریم. این طور نیست که مربی و نوجوان را رها کنیم، باهم در کنار هم هستیم.

اینکه می‌گویید برنامه‌های‌تان تحت یک بسند تربیتی است، برای یک هیئت مذهبی واقعاً جای امیدواری دارد. درباره تدوین این سند بگویید. از چه منابعی برای تدوین آن استفاده کرده‌اید؟

برای تدوین این سند دست‌کم ۸۰ مجلد کتاب از کارشناسان برجسته این حوزه مطالعه و بیش از هزار و ۲۰۰ گاهزار و ۳۰۰ ساعت صوت استادان مختلف ضبط و پیاده‌سازی شده است. در نهایت وقتی مثلاً سفره عشق (با محوریت امام زمان (عج))، سفره نور (با محوریت قرآن کریم) و ستارگان هدایت (با محوریت الگوسازی شهدا) را طراحی می‌کنیم، این طراحی مبتنی بر آن سند است. مثلاً حضرت آقا فرمودند جلسه قرآن کریم برگذارید و فقط در آن جلسه قرآن بخوانید. خب این یک هدف‌گیری جدی برای ماست اما موضوع این است که یک جلسه کاملاً قرآنی چطور می‌تواند برای نوجوان‌ها برگزار شود که هم در آن، شأن و جایگاه قرآن کاملاً حفظ شود و هم برای نوجوان‌ها جذاب باشد.

در واقع یک گردنه خیلی حساس و مهمی است و متأسفانه ما در کشور به این گردنه سنتی و سرنوشت‌ساز خیلی بها نداده‌ایم.

بله، شما مثل یک بندباز باید حرکت کنید و این طور بگویم که آنقدر باید دقیق باشید که خطرات ممکن برسالید و راه اکمانید بر نیست مگر اینکه اهداف و برنامه‌های شما در چندین مرحله غربال و تصحیح شودای سا خیلی از نوجوان‌هایی که بعدا به دوره بزرگسالی رسیده‌اند و ذهنیت آنها درباره حوزه دین، منفی بوده به خاطر این است که ما نتوانسته‌ایم دست و آرا به شکل درست در این گردنه بگیریم.

مربیان‌تان را چطور انتخاب می‌کنید؟

ما از مربیان طلبه استفاده می‌کنیم. البته طلبه‌های سطح ۲ و ۳، یعنی طلبه‌هایی که دست‌کم شش سال در فضای حوزه علمیه بوده‌اند و از آن طرف مطالعات و تجربیات خوبی در زمینه نوجوان‌ها دارند.

برای ما مهم است که مربی ما آشنایی عمیق با مبانی اسلام داشته باشد، از طرفی روحیات مربی ما به گونه‌ای باشد که واجد مهارت‌های لازم در مواجهه با نوجوان‌ها باشد، چون کار با نوجوان‌ها به صوری، سه صد و انعطاف‌پذیری و ادبیات مناسب نیاز دارد. ظاهر و پوشش مناسب هم شرط است. شاید از منظری سختگیرانه رفتار می‌کنیم اما تجربه‌مان نشان می‌دهد این شرط‌ها لازمه کار است. مثلاً ما وقتی می‌خواهیم در طول هفته سه برنامه چهارساعته برگزار کنیم، مجموعاً ۱۲ ساعت برنامه می‌شود اما برای نوجوان‌ها برگزار کنیم دست‌کم دو برابر این میزان مرا درگیر پشت صحنه‌های محتوای این برنامه‌ها هستیم که مطمئن شویم محول ارائه‌شده در انواع قالب‌هایی که ارائه می‌کنیم از کیفیت لازم برخوردار است.

هزینه‌های این برنامه‌ها را از کجا تأمین می‌کنید؟

مربیان ما جهادی هستند و انتظارات مالی آنچنانی ندارند. در این چند‌قلو توانستیم کج خرج کنیم و رخت‌وپاشی اتفاق نیفتاد و مراسم‌ها را کاملاً ساده برگزار کردیم.

آنچه در این مدت کار کردن با نوجوان‌ها بیش از همه به آن رسیدید، چیست؟

اگر چه نقشه راه و نظریه‌پردازی مهم است اما توقف در تئوری و نظریه‌بازی به همان میزان خسارت‌بار و ضربه‌زننده است. گاهی ما انقدر در این کمال گرایی‌های انتزاعی گرفتار می‌شویم که راه نمی‌افتیم. وقتی شما راه نیفتاده‌اید، مدام در تصورات هستید. این رنجیده باید جای قطع شود و البته با نقشه و ارزیابی دقیق راه بیفتید. استقبال سنگینی که حتی از شهرستان‌ها و استان‌های مجاور از برنامه‌های ما صورت گرفت نشان می‌دهد می‌توان سراغ نوجوان‌ها و جوان‌ها کار کرد. ما در این مدت با نوجوان‌ها زندگی کردیم و حالا آن همبستگی و عضو یک خانواده‌بودن بین ما برزنگ است.

چیست‌اندازه‌ای تان برای آینده چیست؟ گاهی شکل دادن به یک پدیده، ساده‌تر از اداره‌کردن و توسعه آن است. در این باره چه برنامه‌هایی دارید؟

گسترش زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های‌مان را دنبال خواهیم کرد و دوره‌های آموزشی تربیت مربی را خواهیم داشت و در آینده به دنبال این هستیم که مربی‌های‌مان، کار رسمی شوند و حقوق دریافت کنند. در یک افق پنج‌ساله به دنبال آن هستیم که همه مناطق تهران و استان‌ها را پوشش دهیم. به لطف خداوند آنچه در این مدت روی داده تا نوکل و پرهیز از تکلف بود، امیدوار م از این به بعد هم با همین رویه پیش برویم.

۹ جوان